

انواع رأی در داوری تجاری بین‌المللی با تأکید بر حقوق ایران

مصطفی بختیاروند*

میترا احمدی**

شناسه دیجیتال اسناد (DOI) : 10.22066/cilamag.2018.31690

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۳

چکیده

آرای داوری تجاری بین‌المللی، انواع متعددی دارد و دیوان داوری می‌تواند آرای جداگانه‌ای در خصوص موضوعات گوناگون صادر کند. در برخی قوانین تصریح شده است که دیوان اختیار دارد که انواع متعددی از رأی را صادر کند. در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز به‌طور تلویحی به انواع رأی اشاره شده است. رأی نهایی، جزئی و موقت، مهم‌ترین آرای است که تقریباً در تمامی اسناد بین‌المللی بدان اشاره شده است. دسته دیگر آرای داوری مانند غیابی، اعلامی و تأسیسی از جمله آرای است که در هیچ‌یک از قواعد و قوانین داوری، نصی به خود اختصاص نداده است. در حقوق ایران، برخلاف مقررات راجع به داوری داخلی، قانون داوری تجاری بین‌المللی، حاوی مقررات مجزا و کاملی در خصوص تفسیر و تکمیل رأی داوری است. در این مقاله، نویسندگان تلاش کرده‌اند تا هریک از انواع متعدد رأی را مطالعه کرده و پیشنهادهایی جهت اصلاح قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران ارائه دهند.

واژگان کلیدی

داوری تجاری بین‌المللی، رأی نهایی، رأی موقت، رأی اعلامی، رأی تأسیسی

مقدمه

بررسی قوانین و مقررات داوری تجاری بین‌المللی کشورها و کنوانسیون‌های بین‌المللی بیانگر وجود انواع متعدد آرای داوری است تا آنجا که برخی قوانین به‌صراحت از اختیار دیوان برای صدور انواع رأی سخن به میان آورده و واژگانی را برای تعیین انواع رأی به‌کار برده‌اند. برخلاف این نوع از مقررات، قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران صراحتاً چنین اختیاری را برای دیوان داوری به رسمیت نمی‌شناسد اما از روح حاکم بر مواد مربوط می‌توان تلویحاً برداشت کرد که رأی داوری انواع متعددی دارد که دیوان می‌تواند آن را صادر کند.

با در نظر گرفتن مجموع مقررات مذکور می‌توان دریافت که رأی نهایی، جزئی و موقت از جمله مهم‌ترین آرای داوری است که معمولاً در قوانین کشورها و اسناد بین‌المللی بدان اشاره شده است. اصلاح و تفسیر و تکمیل رأی به‌عنوان اقدامات پس از صدور رأی تلقی شده است. در حقوق ایران، قانون داوری تجاری بین‌المللی، به‌طور نسبتاً مفصلی به موضوع تفسیر و تکمیل رأی داوری پرداخته است. این موارد، استثنایی بر قاعده فراغ داور محسوب می‌شود زیرا با صدور رأی داوری، داوران از رسیدگی فراغت یافته و اصولاً نمی‌توانند پرونده را مجدداً بررسی کنند یا رأی صادره را تغییر دهند. از این‌رو زمانی که رأی داوری، اشتباهات واضح یا ابهام داشته باشد یا حتی در حین تصمیم‌گیری موضوعی از دید داور یا داوران پنهان بماند، خود دیوان داوری طی مهلتی باید در صدد رفع نواقص برآید.

دسته دیگر آرای داوری مانند غیابی، اعلامی و تأسیسی از جمله آرای است که به تحقیق می‌توان گفت در هیچ‌یک از قواعد و مقررات داوری، نصی به خود اختصاص نداده است. عدم تصریح به اختیار دیوان برای صدور چنین آرای نه‌تنها می‌تواند موجب پیدایش تردیدهای اساسی در خصوص صلاحیت دیوان برای صدور این‌گونه آرا شود، بلکه می‌تواند تقویت‌کننده این سؤال باشد که آیا اصلاً صدور چنین آرای در داوری امکان‌پذیر است یا تنها احکام ترافیعی دادگاه‌ها می‌تواند عنوان غیابی، اعلامی و تأسیسی داشته باشد؟ مسائلی از این قبیل و لزوم آشنایی با انواع متعدد آرای داوری، نگارندگان را برآن داشت تا به بررسی و تحلیل انواع رأی در داوری تجاری بین‌المللی ایران بپردازند. این مقاله به دو گفتار تقسیم شده است: از آنجاکه شناخت انواع رأی، متوقف بر شناخت مفهوم رأی است، در ابتدا مفهوم رأی در داوری تجاری بین‌المللی و سپس موضوع اصلی مقاله و انواع رأی بررسی و تحلیل می‌شود.

۱. مفهوم رأی

موافقت‌نامه داوری، نقطه شروع فرآیند داوری است و رأی مرحله نهایی آن و نتیجه آیین دادرسی

داوری در تصمیم داوری متبلور می‌شود.^۱ در زمان تهیه پیش‌نویس قانون نمونه آنسیترال،^۲ اهمیت «اصطلاح رأی»، منجر به تلاش گروه کاری برای تعریف آن شد. تعریف گروه کاری مربوط بدین شرح بود: «رأی به حکم نهایی اطلاق می‌شود که تمام موضوعات و مسائل ارائه شده به دیوان را فیصله دهد یا هر تصمیم دیگر دیوان که هر مسئله ماهوی، یک مسئله مربوط به صلاحیت یا هر مسئله شکلی دیگر را به صورت نهایی حل و فصل کند». اما نگرانی‌های جدی درباره بخش دوم و به ویژه تصمیم‌گیری در خصوص مسئله شکلی بیان شد که در پایان، مدونین قانون نمونه نتوانستند به توافق دست یابند و همین امر باعث شد که اصطلاح رأی، بدون تعریف در قانون نمونه رها شود.^۳

قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز در حین اقتباس از قانون نمونه آنسیترال در صدد جبران این ضعف برنیامده است. حتی در کنوانسیون نیویورک،^۴ تعریفی از رأی دیده نمی‌شود و تنها در بند (۲) ماده ۱ آن مقرر شده است: «اصطلاح «احکام داوری» نه تنها شامل احکام داوران منصوب برای هر پرونده است، بلکه شامل احکام ارکان دائمی داوری که طرف‌ها به آن‌ها رجوع کرده‌اند نیز می‌شود»؛ بدیهی است که اصطلاح به کار برده شده در این کنوانسیون، با واژه رأی مندرج در قانون داوری تجاری بین‌المللی و قانون آیین دادرسی مدنی ایران هماهنگی ندارد و چنان که پیداست، منظور از این بند، ارائه تعریف از رأی داوری نیست بلکه مراد از این بیان، رفع هر گونه شبهه در خصوص دایره شمول کنوانسیون نیویورک در ارتباط با داوری‌های موردی و سازمانی است.

علی‌رغم اینکه در رابطه با تعریف رأی داوری در هیچ‌یک از قواعد و مقررات داوری و حتی کنوانسیون، قیدی به میان نیامده، برخی از صاحب‌نظران چنین نوشته‌اند: «رأی، به تصمیم یا تصمیمات نهایی دیوان داوری اطلاق می‌شود که کلیه مسائل ماهوی ارجاع شده به داوری را فیصله می‌دهد».^۵

همان طور که ملاحظه می‌شود، این تعریف، بیشتر در صدد حل مشکل پیچیده احکام نهایی، جزئی و موقت است زیرا در خلال داوری ممکن است بیش از یک رأی صادر شود. به عقیده برخی نویسندگان: «رأی داوری برآیند تصمیم دیوان داوری و به نوعی سند ثبت‌کننده تصمیم

1. Rubino-Sammartano, Mauro, *International Arbitration Law and Practice*, 2nd ed., Kluwer Law International, The Netherlands, 2001, p. 731.

2. UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration, 1985, (as amended in 2006).

3. Report of the Working Group on International Contract Practices on the Work of its Seventh Session, A/CN.9/246, paras.192-194. Available at: http://www.uncitral.org/uncitral/en/commission/working_groups/2Contract_Practices.html. accessed on: 29/4/2016.

4. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards, 1958.

5. شیروی، عبدالحسین؛ *داوری تجاری بین‌المللی*، سمت، ۱۳۹۱، ص ۲۵۷.

هیئت داورى است که به‌طور موقت یا نهایی، تکلیف دعاوی طرفین را روشن می‌کند و ممکن است به تفسیر شروط و مفاد قرارداد یا تعیین حقوق و تعهدات طرفین اختلاف یا سایر اختلافات موضوعی و حقوقی فی‌مابین طرفین مربوط باشد.^۶

با عنایت به تعاریف پیش‌گفته می‌توان بیان کرد که مهم‌ترین نکته در تبیین مفهوم رأی داورى، توجه به این مسئله است که رأی داورى اصولاً مسائل مطروحه را فیصله می‌دهد و این همان چهره قضایی رأی داورى است که آن را از اعتبار امر مختومه برخوردار می‌کند. بنابراین هر تصمیم داور یا دیوان داورى که در خصوص دعاوی ارجاع‌شده به او اتخاذ می‌شود و قاطع دعوا و از اعتبار امر مختومه برخوردار باشد، متصف به‌عنوان رأی خواهد بود.

۲. انواع رأی^۷

در داورى تجاری بین‌المللی، آرای داورى بسیار متنوعی وجود دارد. رأی جزئی،^۸ رأی نهایی،^۹ رأی اصلاحی،^{۱۰} تفسیری^{۱۱} و تکمیلی.^{۱۲} طیف دیگری از طبقه‌بندی خاص آرا وجود دارد که عبارت‌اند از: رأی بر اساس شرایط مرضی‌الطرفین^{۱۳} که رأی سازشی هم خوانده می‌شود، رأی غیابی،^{۱۴} موقتی،^{۱۵} اعلامی^{۱۶} و تأسیسی.^{۱۷}

مشکل برخی از این تقسیم‌بندی‌ها این است که اولاً، قوانین داورى، سبک و سیاق واحدی

۶. دی ام لئو، جولیان؛ لوکاس میستلیس و استفان کرول؛ داورى تجاری بین‌المللی، ترجمه: محمد حبیبی مجنده، دانشگاه مفید قم، ص ۶۲۹، ۱۳۹۱.

۷. به‌عنوان یک نکته مهم باید توجه داشت که در این مقاله نویسندگان تلاش کرده‌اند تمامی انواع آرای که امکان صدور در داورى دارند را بررسی کنند. در راستای تحقق این هدف، مطلب صدور انواع متعدد رأی هم با ملاحظه حیطه اختیارات شکلی داور برای صدور رأی و هم با ملاحظه آثار یک رأی مورد مطالعه واقع شده است. لذا در برابر رأی نهایی، جزئی، و سازشی و غیابی که جز حیطه اختیارات شکلی داور هستند و هم‌چنین رأی تفسیری، تکمیلی، و تصحیحی که به اقدامات پس از صدور رأی هم معروف هستند و داوران در راستای رفع ابهام، تصحیح و تکمیل رأی اصلی خویش صادر می‌کنند، انواع رأی با ملاحظه اثرشان نیز مدنظر قرار می‌گیرد که شامل رأی اعلامی و رأی تأسیسی می‌شود زیرا به گفته نویسندگان فعال در عرصه داورى، انواع رأی با ملاحظه اثر آن صرفاً به آرای اعلامی و تأسیسی تقسیم‌بندی می‌شوند. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: Dennis Campbell, Christian T. Campbell, *International Liability of Corporate Directors*, 2nd Ed., Juris Publishing, 2011, p. 45.

8. Partial award

9. Final award

10. Correction of award

11. Interpretation of award

12. Additional award

13. Consent award

14. Default award

15. Interim award

16. Declaratory award

17. Constitutive award

جهت استفاده از این تقسیم‌بندی‌ها ندارد و این رده‌بندی در برخی از قوانین به کار می‌رود و در برخی دیگر از این تقسیم‌بندی چشم‌پوشی می‌شود؛ ثانیاً، یک اصطلاح واحد ممکن است برای انواع مختلف رأی به کار رود. مثلاً آنچه در برخی از کشورهای حقوق نوشته، رأی جزئی خوانده می‌شود، در برخی از کشورهای نظام کامن‌لا، رأی موقتی نام دارد.^{۱۸} به تعبیری، واژگان و اصطلاحات در خصوص این دو رأی به صورت منسجم و یکسان به کار گرفته نمی‌شود.

در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، ماده‌ای که صراحتاً در رابطه با اختیار داور برای صدور انواع رأی سخن بگوید وجود ندارد اما به صورت تلویحی می‌توان از موادی که در ذیل بحث خواهد شد، برداشت کرد که قانونگذار، انواع رأی داوری را پذیرفته است. طبق ماده ۳۱ قانون مذکور، صدور رأی نهایی موجب ختم رسیدگی می‌شود. در بند (۳) ماده ۳۳ همان قانون صراحتاً قید شده است که: «رأی داوری اعم از رأی تصحیحی، تکمیلی یا تفسیری است». بند ۳ ماده ۱۶ قانون مذکور هم بیان می‌کند: دیوان داوری می‌تواند به‌عنوان امر مقدماتی نسبت به ایراد صلاحیت یا وجود یا اعتبار موافقت‌نامه داوری اتخاذ تصمیم کند. با وجود اینکه برای این تصمیم، اصطلاح رأی به کار برده نشده، در ادامه این بند، چنین آمده است که اگر ایراد در طول رسیدگی داوری مطرح شود، ممکن است دیوان ضمن «رأی ماهوی» نسبت به این ایراد اتخاذ تصمیم کند. از این بند به‌طور ضمنی استنباط می‌شود که ممکن است رأی راجع به ماهیت دعوا نباشد.

۲-۱. رأی جزئی

در ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی صراحتاً مقرر شده است که: «در صورتی که دعوا قابل تجزیه بوده و فقط قسمتی از آن مقتضی صدور رأی باشد، با درخواست خواهان، دادگاه مکلف به انشاء رأی نسبت به همان قسمت است و نسبت به قسمت دیگر، رسیدگی را ادامه می‌دهد». این سؤال مطرح می‌شود که آیا داور نیز چنین حق یا تکلیفی را دارد؟ در قانون داوری تجاری بین‌المللی، مقرر صریحی در این رابطه وجود ندارد و مشخص نشده است که رأی نهایی باید نسبت به کلیت موضوع اختلاف باشد یا می‌تواند صرفاً نسبت به بخشی از آن صادر شود. ممکن است تعیین تکلیف بخش‌هایی از دعاوی که به هیئت داوری ارجاع می‌شود، در مراحل اولیه مناسب‌تر باشد در حالی که موضوعات دیگر، گاه نیازمند اظهارات و ارزشیابی بیشتری است. برای مثال، چنانچه قبل از رسیدگی نهایی، مرجع داوری با این سؤال مواجه شود که آیا دعوای مطروحه، مشمول مرور زمان شده است یا خیر، با صدور رأی جزئی، تکلیف موضوع را مشخص خواهد کرد. بنابراین رأی جزئی، ناظر به بخشی از خواسته دعواست و موضوع خاص را مورد

18. Van Den Berg, Albert Jan, *New Horizons in International Commercial Arbitration*, Kluwer Law International, 2005, p. 317.

لحوق حکم قرار می‌دهد.^{۱۹}

اگر طرف‌ها تمایلی نداشته باشند که داوران آرای جزئی ارائه دهند، باید صراحتاً در این باره توافق کنند. در غیر این صورت، هیئت داوری چنانچه با نظر به اوضاع و احوال پرونده، مناسب و مقتضی بداند، می‌تواند رأی جزئی صادر کند.^{۲۰} در واقع، اختیار صدور این آرا، یکی از مفیدترین ابزار هیئت داوری است. اخذ این تصمیم می‌تواند برای همه طرف‌های پرونده، صرفه‌جویی در وقت و هزینه را به دنبال داشته باشد.^{۲۱} حتی در یک داوری پیچیده با موضوعات و مسائل مختلف، این امر می‌تواند یک راه‌حل عملی برای طرفین و دیوان باشد تا نسبت به قسمت‌هایی از اختلاف که به روشنی می‌توان از بخش‌های دیگر جدا کرد، تصمیم‌گیری شود. مصداق بارز این گفته را می‌توان در قواعد داوری دادگاه داوری اروپا مشاهده کرد آنجا که بند ۲ ماده ۲۲ این قواعد بیان می‌کند: اگر مرجع داوری تشخیص دهد که یک بخش تفکیک‌پذیر از اختلاف، شایستگی صدور رأی دارد می‌تواند رأی جزئی صادر کند.^{۲۲} در عین حال، خطراتی نیز وجود دارد. زمانی که رأی صادر می‌شود، خواه رأی جزئی خواه نهایی، دیگر قابل تغییر نخواهد بود؛ اما بخشی که به وضوح قابل تفکیک است ممکن است در رسیدگی‌های بعدی با آن بخشی که در مورد آن حکم صادر شده است پیوند بخورد. در این مورد، دیوان داوری چاره‌ای ندارد جز اینکه در خصوص بخش دیگر نیز به گونه‌ای تصمیم‌گیری کند که با حکم جزئی یا حکمی که قبلاً در مورد مشابه صادر شده، سازگار باشد.^{۲۳} علاوه بر این، اگر چندین رأی جزئی وجود داشته باشد، این امر موجب می‌شود که دیوان داوری و طرفین، در دادرسی پیچیده‌ای گرفتار شوند که ممکن است بخش‌هایی از دعوا را که هنوز نزد دیوان در حال رسیدگی است نیز تحت شعاع قرار دهد.^{۲۴} رأی جزئی در خصوص دعوی مطروحه، واجد آثار و خصوصیات رأی نهایی است؛ به این معنا که پس از صدور رأی مزبور، فراغ داور تحقق یافته و داور جز در موارد استثنایی (مثل تصحیح، تفسیر و تکمیل رأی) حق تجدیدنظر در رأی را نخواهد داشت. البته این نوع رأی، به اختیار داوران برای رسیدگی در مورد بخش‌های باقی‌مانده اختلاف خللی وارد نمی‌کند. به‌عنوان یک نکته گفتنی است که گاهی در روند داوری مسائلی وجود دارد که در قالب یک

۱۹. جنیدی، لعیا؛ اجرای آرای داوری بین‌المللی خارجی، شهر دانش، ۱۳۸۱، ص ۲۶.

20. Cook, Trevor M., Alejandro L. Garcia, *International Intellectual Property Arbitration*, Kluwer law International, 2010, vol. 2, p. 275.

۲۱. امیرمعزی، احمد؛ داوری بازرگانی بین‌المللی، دادگستر، ۱۳۹۲، ص ۴۶۲.

22. Arbitration Rule of the European Court of Arbitration, (Effective as of January 1, 2011).

23. United Nation Conference on Trade and Development. "Making the Award and Termination of Proceedings", UN, New York, 2005, p. 9.

Available at: <http://unctad.org/en/docs/edmmisc232add41-en.pdf>. accessed on: 30/4/2016.

24. United Nation Conference on Trade and Development, *op. cit.*

قرار اعدادی^{۲۵} یا به عبارتی، دستور مقدماتی تصمیم‌گیری می‌شود. برای نمونه، زمانی که طرفین اختلاف در خصوص مسائلی از قبیل قانون یا قواعد داوری قابل اعمال، زبان یا مکان داوری توافق نکرده باشند، دیوان داوری با تشکیل جلسه مقدماتی، در خصوص این‌گونه موضوعات تصمیم‌گیری می‌کند یا حتی مسائلی از قبیل نحوه اداره روند داوری، استفاده از فناوری در فرآیند داوری و... می‌تواند موضوع بحث دیوان در جلسه مقدماتی باشد.^{۲۶} در واقع، دیوان داوری با تصمیم‌گیری در خصوص این موضوعات، آن‌هم در قالب قرار مقدماتی،^{۲۷} هماهنگی‌های لازم برای آماده‌شدن پرونده جهت استماع و سپس صدور رأی را انجام می‌دهد. به عبارتی، «رأی جزئی یعنی اینکه بخشی از پرونده، آماده رأی است که داور نسبت به آن رأی می‌دهد اما رأی اعدادی یا مقدماتی به رأیی اطلاق می‌شود که زمینه و مقدمه رسیدگی است مثل اینکه برای مطالبه خسارت نقض قرارداد به داوری مراجعه می‌شود ولی طرف دیگر، ادعای بطلان قرارداد را دارد که در این صورت، داور ابتدا به بطلان رسیدگی و رأی صادر می‌کند که به این صورت، داور می‌تواند بعداً خسارت نقض قرارداد را محاسبه و رأی نهایی صادر کند».^{۲۸} پس برخلاف آرای جزئی که بخشی از مورد اختلاف را به‌طور نهایی حل‌وفصل می‌کند و از تمام آثار رأی نهایی برخوردار است، قرار اعدادی مشمول هیچ‌یک از این ویژگی‌ها نیست لذا رأی جزئی قابل قیاس با قرار اعدادی نخواهد بود منتها می‌توان گفت که قرار مقدماتی به‌منظور اجرا در ایالت دیگر می‌تواند به‌عنوان رأی تعریف شود همان‌طور که برخی از نویسندگان معتقدند تنها راه اجرای این‌گونه قرارها، صدور آن‌ها در قالب رأی جزئی است.^{۲۹}

۲-۲. رأی نهایی

مراد از احکام نهایی، از نظر قابل‌اعتراض بودن یا نبودن آن‌ها نیست بلکه نهایی بودن، از منظر رسیدگی‌های داوری بررسی می‌شود که بر اساس آن باید از رأی جزئی متمایز شود. منظور از این احکام، آرای است که کل موضوعات مورد اختلاف را فیصله می‌دهد و بر مأموریت داوران، مهر پایان می‌نهد.

25. Interlocutory Injunctions

26. Moses, Margaret L., *The Principles and Practice of International Commercial Arbitration*, Cambridge University Press, 2008, p. 154.

۲۷. «قرار اعدادی یا مقدماتی (تحصیری) قرار است که برای این صادر می‌شود که پرونده را آماده صدور رأی قاطع می‌نماید». شمس، عبدالله؛ *آیین دادرسی ملنی (دوره بنیادین)*، دراک، جلد دوم، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳.

۲۸. شیروی، عبدالحسین؛ پرسش‌های حقوقی و قضایی، تارنمای حسین شیروی، تاریخ مطلب: ۱۳۹۵/۸/۱۰، قابل دسترسی در: <https://dr.shiravi.com/mttest/1-2/comment-page-93#comments>.

تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۸/۲۰.

29. Rubino-Sammartano, *op. cit.*, p. 738.

به‌طور کلی، اصطلاح رأی نهایی بر دو وضعیت متفاوت اطلاق می‌شود؛ نخست، به رأیی اطلاق می‌شود که همه مسائل را رسیدگی کرده و نقطه پایانی است بر رسیدگی. دوم، واژه رأی نهایی برای توصیف آن دسته از آرای به کار می‌رود که فقط در مورد برخی از اجزای مسئله مطروحه دارا بودن اثر الزامی برای طرفین، تعیین تکلیف می‌کند. رأی در صورتی به این معنا نهایی است که از اعتبار امر قضاوت‌شده برخوردار باشد و بتواند بدون آنکه لزوماً کل رسیدگی دآوری را ختم کند، مورد اعتراض قرار بگیرد یا اینکه به اجرا درآید.^{۳۰}

با صدور این رأی، داوران از رسیدگی فارغ شده و هر اختلافی که بعد از آن پیش آید، البته به‌جز استثنائات مربوط به اصلاح، تفسیر و تکمیل آرا، خارج از صلاحیت هیئت دآوری خواهد بود و لذا رابطه خاصی که بین داوران و طرفین اختلاف به وجود آمده پایان می‌یابد. آرای که نهایی و الزام‌آور توصیف می‌شود، از سوی بازنده‌ای که بطلان رأی دآوری را قصد کرده، نزد دادگاه مقرر دآوری قابل اعتراض است؛ به‌علاوه، این آرا بر اساس کنوانسیون نیویورک قابلیت اجرا دارد.^{۳۱}

۲-۳. رأی غیابی

رسیدگی‌های غیابی به‌طور وسیعی در نظام‌های دآوری پیشرفته پذیرفته شده است. غیبت و عدم حضور یکی از طرفین اختلاف در روند دآوری، گاه، یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر است. چه‌بسا اغلب دآوری‌های بین‌المللی در وضعیتی رخ می‌دهد که یک طرف، اغلب خواننده، از شرکت در آن قصور و امتناع می‌ورزد. این امتناع ممکن است به‌صورت کامل باشد. در این صورت گفته می‌شود که او خارج از جریان رسیدگی است. همچنین ممکن است در خلال رسیدگی این غیبت اتفاق بیفتد. در این موارد، وظیفه دیوان دآوری، به لحاظ کوتاهی یکی از طرفین از شرکت در جریان رسیدگی بسیار دشوار می‌شود. به عبارت دیگر، دیوان مجبور می‌شود که در این موارد، نقش اثباتی داشته باشد و تأثیر این امر آن است که دیوان باید خود بار اثبات حق را در مقابل طرف حاضر خود به دوش بکشد و ادله قانونی برای پایان دادن به دعوا را بیابد.^{۳۲}

زمانی که یکی از طرفین برای حضور در دعوا یا ارائه ادله و دفاعیاتش در هر مرحله از اقدامات دآوری امتناع ورزد، دیوان می‌تواند به درخواست طرف دیگر، رأی در مورد موضوعات در دسترس صادر کند. دیوان برای تصمیم‌گیری ابتدا طرف غایب را از درخواست طرف مقابل برای پیش‌بردن دآوری و صدور تصمیم مقتضی مطلع می‌کند مگر اینکه قانع شود که طرف غایب،

۳۰. لئو و دیگران؛ همان، ص ۶۳۳.

31. Moses, *op. cit.*, p. 180.

32. Redfern, Alan, *Law and Practice of International Commercial Arbitration*, Sweet & Maxwell, 2004, p. 376.

هیچ قصدی برای مشارکت ندارد. اما قصور شخص غایب برای حضور در جریان مذاکرات به این معنا نیست که ادعاهای طرف مقابل پذیرفته شده است.^{۳۳}

به‌عنوان قاعده، در حال حاضر، قصور خواننده در ارائه دفاع یا شرکت در داوری، مشروط بر اینکه به هریک از طرفین، فرصت ارائه دفاعیات خود و پاسخ به ادعاهای طرف مقابل داده شده باشد، دیوان داوری را از ادامه داوری بر اساس آنچه به او ارائه شده منع نمی‌کند و همچنین مدعی را از ارائه مدارکش برای حفظ ادعاهایی که دارد معاف نمی‌سازد.^{۳۴}

اهمیت اثباتی این امر که به طرف غایب، فرصت کافی جهت اثبات ادعا و ارائه ادله‌اش داده شده بدین خاطر است که اگر مرجع داوری به نفع طرف حاضر در جلسات، رأیی صادر کند، شخص مزبور می‌خواهد که داوری را به بهترین نحو اجرا نماید؛ لذا مایل به حصول اطمینان از این امر است که رأی، با توجه به همه جزئیات آن، به‌طور مؤثر قابل اجراست و به‌صورت معقول صادر شده و کوشش لازم از ناحیه مرجع داوری برای برقراری ارتباط با طرف غایب صورت گرفته و فرصت مقتضی برای ارائه ادله و دفاعیات به او داده شده است.^{۳۵} اگر دیوان داوری معتقد به استحقاق مدعی برای صدور رأی غیابی باشد با لحاظ کردن شروط بیان‌شده در فوق، یک رأی الزام‌آور ثبت می‌نماید. این رأی دارای اثری مشابه با رأیی است که پس از حضور خواننده در روند دادرسی صادر می‌شود.^{۳۶}

رأی غیابی تحصیل‌شده را می‌توان مانند هر رأی داوری اجرا کرد. البته خواننده ممکن است با این استدلال که رأی بنابر دلایلی اساسی نادرست است با اجرای این‌گونه آرا مخالفت کند و مثلاً مدعی شود که توافقنامه داوری به ادعاهایی که درمورد آن‌ها رأی غیابی صادر شده است تعمیم داده نمی‌شود.^{۳۷} به‌علاوه، زمانی که داوران رأی غیابی خود را ارائه می‌دهند مهر پایانی بر صلاحیت آن‌ها نهاده می‌شود و بررسی مجدد توسط آن‌ها استثناست. لذا خطراتی که از یک رأی غیابی بر طرف غایب بار می‌شود به داوران انگیزه کافی می‌دهد تا طرفی را که تمایلی به همکاری ندارد، نسبت به همکاری متقاعد کنند.

۲-۴. رأی موقت

منظور از رأی موقت، رأیی است که درحالی‌که داوری هنوز در جریان است صادر شده باشد. باید

33. Reed, Lucy, Jan Paulsson, Nigel Blackaby, *Guide to ICSID Arbitration*, Kluwer Law International, 2004, p. 87.

34. Redfern, *Ibid.*

35. Binder, Peter, *International Commercial Arbitration in UNCITRAL Model Law Jurisdictions*, Sweet & Maxwell, 2000, p. 157.

36. Frey, Martin, *Alternative Methods of Dispute Resolution*, Cengage Learning, 2002, p. 232.

37. Bennett, Steven C., *Arbitration: Essential Concepts*, ALM Publishing, 2002, p. 93.

توجه داشت که رأی موقت در دو معنی مختلف استعمال می‌شود. در برخی موارد به‌عنوان مترادفی برای رأی جزئی به کار می‌رود، یعنی رأیی که بخشی از اختلاف را به‌صورت نهایی حل‌وفصل می‌کند مانند آرای که می‌تواند در خصوص صلاحیت دیوان، قانون حاکم، مسئولیت در خصوص همه یا بخشی از اختلاف یا خسارت صادر شود. رأی موقت غالباً در این معنی استعمال می‌شود. در معنای دوم، رأی موقت به آن دسته از آرای اطلاق می‌شود که هیچ جنبه‌ای از اختلاف را حل‌وفصل نهایی نمی‌کند. معمول‌ترین این آرا، رأی موقت در رابطه با اقدامات تأمینی و حمایتی است.^{۳۸}

در جهت رفع این سوءتفاهم که ناشی از خلط واژگان است باید بیان کرد که اصطلاح رأی موقت برای تعیین و تعریف تصمیماتی است که به‌طور قطعی، موضوع مطروحه در مراجع داوری را حل‌وفصل نمی‌کند و ممکن است موضوع تجدیدنظر و بازبینی متعاقب دادگاه داوری قرار گیرند. در آیین دادرسی مدنی از این آرا به‌عنوان دستورهای موقت نام برده می‌شود. (ماده ۳۱۰ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی).

اختیار دیوان برای صدور این گونه آرا ممکن است ناشی از قانون یا قرارداد باشد.^{۳۹} در واقع، طرفین می‌توانند با تراضی یکدیگر، صلاحیت صدور چنین دستوری را به دیوان داوری اعطا نمایند یا اینکه آن را از داشتن چنین اختیاری منع سازند. اگر طرفین در این‌باره سکوت کرده باشند ولی قانون حاکم منتخب طرفین یا قانونی که به‌موجب قواعد حل تعارض، مناسب تشخیص داده شده است این اختیار را برای دیوان پیش‌بینی کرده باشد، داور می‌تواند در راستای صدور دستور موقت اقدام نماید و در صورت لزوم، سپردن وثیقه‌ای را بابت هزینه‌های اقدامات مزبور مقرر دارد.^{۴۰} در غیر این دو صورت به نظر می‌رسد حتی اگر دادگاه داوری فوریت موضوع را احراز کند نمی‌تواند رأساً قرار دستور موقت صادر کند.

یکی از خصوصیات بارز دستورهای موقت را می‌توان فوریت و غافلگیرکننده‌بودن آن‌ها دانست. تأثیر این اقدامات، کاملاً به قابل‌اجرا بودن آن‌ها بستگی دارد؛ لذا باید یک سازگار اجرایی برای حمایت از این گونه دستورها موجود باشد. منتها در بسیاری از قوانین داوری، باوجود تصریح اختیار دیوان برای صدور چنین دستورهایی، مقرره‌ای درمورد نحوه اجرای چنین قراری به چشم نمی‌خورد. در کرواسی، بلاروس، اوکراین و اسلواکی چنین مقرر شده است که رأی صرفاً به

38. Moses, *op. cit.*, p. 181.

39. Redfern, *op. cit.*, p. 373.

۴۰. ماده ۱۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران: «داور» می‌تواند در امور مربوط به موضوع اختلاف که محتاج به تعیین تکلیف فوری است، به درخواست هر کدام از طرفین، دستور موقت صادر نماید، مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. «داور» می‌تواند مقرر نماید که متقاضی تأمین مناسب بسپارد. در هر صورت، چنانچه طرف دیگر، تأمینی بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد، «داور» از دستور موقت رفع اثر خواهد کرد».

تصمیمات صادره در خصوص ماهیت دعوا اطلاق می‌شود و آرای موقتی که به اقدامات موقتی مربوط می‌شوند یک دستور شکلی در نظر گرفته شده و لذا ساختن عنوان بدلی رأی درمورد آن، قرار موقت را طبق کنوانسیون نیویورک یا قوانین ملی کشور مورد نظر، قابل اجرا نمی‌سازد. اما در بلغارستان، اجرای دستور موقتی که در شکل رأی صادر شده، پذیرفته شده است.^{۴۱} حتی دیوان عالی کویزلند استرالیا در خصوص قابل اجرا بودن رأی موقت بر اساس کنوانسیون نیویورک بیان کرده که رأی موقت بر اساس کنوانسیون نیویورک یا قانون استرالیا قابل اجرا نیست زیرا رأی صادره، مدنظر کنوانسیون نیست و به‌صرف اینکه بدان رأی گفته شود واجد چنین خصیصه‌ای نمی‌شود.^{۴۲} در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز تنها امکان اجرای رأی داوری پیش‌بینی شده و در رابطه با امکان اجرای دستور موقت، مقرره‌ای وجود ندارد. بنابراین، چنانچه مخاطب دستور موقت صادره از سوی دیوان داوری در صدد اجرای داوطلبانه آن بر نیاید، قانون فاقد راهکاری جهت شناسایی و اجرای آن است. به عقیده برخی از حقوق‌دانان، در این صورت، طرف ذی‌نفع می‌تواند به دادگاه صالح موضوع ماده ۶ قانون مذکور مراجعه و صدور دستور موقت را از او درخواست کند.^{۴۳} با عنایت به اینکه دستور موقت، رأی به معنای اصطلاحی نیست، عقیده به رجوع به دادگاه صالح و تقاضای صدور دستور موقت مستقل، منطقی به نظر می‌رسد.

۲-۵. رأی اصلاحی

یکی از عرصه‌هایی که ممکن است قطعیت تصمیم داوری در آن به خطر بیفتد، قلمرو اصلاحاتی است که بعد از صدور رأی داوری انجام می‌شود. اصلاح رأی، یکی از قواعد عموماً پذیرفته‌شده در رویه داوری بین‌المللی است.^{۴۴}

تصحیح اشتباهات یا سهو قلم، ناظر به اشتباهاتی است که محتوای رأی را تغییر ندهد و نیازی به بررسی مجدد پرونده نباشد و با قدری تأمل، هر کسی بتواند به آن‌ها پی برد. مثلاً هیئت داوری نمی‌تواند در صورتی که تفسیر نادرستی از نظر کارشناس یا سایر واقعیات انجام داده، مبلغ محکوم‌به را تغییر دهد زیرا این کار، اصلاح رأی به معنای مدنظر قوانین داوری نیست بلکه رأی دومی است که مرجع داوری، فاقد صلاحیت برای صدور آن است.^{۴۵} اما اگر به‌جای ذکر ریال در

41. The Association for International Arbitration, "Interim Measure in International Commercial Arbitration", (Maklu, 2007), p. 88.

42. Van Den Berg, Albert Jan, "New York Convention of 1958: Refusal of Enforcement", *ICC International Court of Arbitration Bulletin*, vol. 18, No. 2, 2007, p. 26.

۴۳. شیروی، همان، ص ۲۶۰.

۴۴. راید، آلان اس؛ «هماهنگی یا عدم هماهنگی قانون نمونه آنستیرال با قانون داوری انگلیس در زمینه داوری تجاری بین‌المللی»، ترجمه: فرهاد خمایی‌زاده، *الهیات و حقوق*، شماره ۱۹، ۱۳۸۵، ص ۲۰۷.

۴۵. لئو و دیگران؛ همان، ص ۶۵۸.

مبلغ خواسته، تومان قید شده یا در محاسبه هزینه‌ها اشتباهی رخ داده باشد، دیوان دآوری می‌تواند رأساً یا بنا بر تقاضای طرفین، ظرف مهلت پیش‌بینی‌شده در قانون، در صدد رفع اشتباهات خود برآید.^{۴۶} بنابراین اگر دیوان درخواست اصلاح را موجه نداند، می‌تواند آن را نپذیرد. برای نمونه، در تصمیم دیوان دآوری ایران و امریکا در دعوی *Harris Int'l Telecomms. Inc. v. Iran*^{۴۷} مرجع دآوری دریافت که آنچه در ادعا تعقیب می‌شد، بازبینی و تجدیدنظر در دلایل و مستندات حکم دیوان بود نه تجدیدنظر در معنای ماده ۳۶ قواعد آنسیترال ۱۹۷۶ (ماده ۳۸ نسخه ۲۰۱۰) و اصلاح یک خطای محاسباتی. در پایان، مرجع دآوری کلام نهایی خود را با این بیان خاتمه داد: هر تقاضایی که فراتر از قلمرو قواعد اصلاحی باشد، رد خواهد شد و این امر، هم در خصوص آرای نهایی و هم در مورد آرای غیرنهایی صدق می‌کند.^{۴۸}

در رابطه با تصحیح رأی در قوانین و قواعد دآوری، تفاوت چندانی وجود ندارد اما نمی‌توان منکر تشریفات بیشتر دآوری‌های سازمانی در این زمینه بود. در این قسم از دآوری‌ها باید آرای ضمیمه‌ای مانند تمام آرا توسط دیوان موشکافی شود. در اینجا هم نباید درخواست اصلاح، منجر به تغییری در تصمیم دیوان شود و مانند هر رأیی، ممکن است اکثریت اعضای دیوان دآوری یا در صورت فقدان اکثریت، رئیس دیوان، الحاقیه را ارائه کند.^{۴۹} مهلت تقاضای طرفین برای تصحیح آرای دآوری ظرف سی روز از تاریخ دریافت حکم است. همین بازه زمانی برای رسیدگی داوران و پاسخ به درخواست اصحاب در نظر گرفته شده است.

۲-۶. رأی تفسیری

اختیار دیوان دآوری برای تفسیر آرای خود در بسیاری از نظام‌های دارای حقوق نوشته مانند برزیل،^{۵۰} آلمان،^{۵۱} سوئد،^{۵۲} مکزیک^{۵۳} و در برخی از کشورهای نظام کامن‌لا از قبیل انگلستان،^{۵۴} کانادا،^{۵۵} امریکا^{۵۶} و مالزی^{۵۷} به رسمیت شناخته شده است.

۴۶. شیروی؛ همان، ص ۲۷۶.

۴۷. *Harris Int'l Telecomms. Inc. v. Iran*, 18 Iran-U.S. Cl. Trib. Rep., 1988, pp. 76-77.

۴۸. Lee, Karen, *Iran-United States Claims Tribunal Reports*, Cambridge University Press, 2010, vol. 38 2004-2009, p. 31.

۴۹. Schafer, Erik; Herman Verbist, Christophe Imhoos, *ICC Arbitration in Practice*, Kluwer Law International, November 2004, p. 131.

۵۰. Art.30, Brazil-Law, N0 9.307, 1996.

۵۱. Sec.1058(2).

۵۲. Sec.32(1).

۵۳. Art. 29(2).

۵۴. Sec. 57(3).

۵۵. Art.33(b).

۵۶. Art.30(1).

کنوانسیون‌های بین‌المللی قدیمی مانند (کنوانسیون ژنو ۱۹۲۷، پروتکل ژنو ۱۹۲۳ و کنوانسیون نیویورک) فاقد مقرره‌ای در خصوص تفسیر آرا بودند.^{۵۸} این امر برای اولین بار در ماده ۵۰ کنوانسیون واشنگتن ظاهر شد که مقرر می‌دارد: «اگر مابین طرفین در خصوص قلمرو و معنای یک رأی اختلاف نظر باشد، هریک از طرفین می‌تواند با اعطای یک درخواست‌نامه کتبی به دبیرکل، تقاضای تفسیر رأی نماید». بند ۱ ماده ۳۲ قانون داوری تجاری بین‌المللی مقرر می‌کند که هریک از طرفین می‌تواند ضمن ارسال اظهاریه به طرف دیگر، از دیوان داوری تقاضای تفسیر رأی کند.

البته باید بین اصلاح رأی و تفسیر آن را از هم تفکیک کرد. مرز اساسی این تفاوت در این است که دیوان نمی‌تواند رأی بزنند و انجام چنین عملی فقط در صورت تقاضای طرفین امکان‌پذیر است. در چرایی این نظر شاید بتوان گفت طرفین، اولین و تنها کسانی هستند که از عدم درک صحیح تصمیمات رنج خواهند برد.^{۵۹}

درخواست تفسیر آرا باید طی مهلت قانونی پیش‌بینی شده به عمل آید. از تاریخ دریافت تقاضا مرجع داوری باید با رعایت بازه زمانی مقرر در ماده به آن پاسخ دهد. این بازه زمانی ممکن است توسط دیوان تمدید شود.

«در سوابق قضایی دیوان داوری ایران و آمریکا تا سال ۱۹۹۶ هیچ موردی از تقاضای تفسیر حکم پذیرفته نشد».^{۶۰} برای مثال در تصمیم دادگاه داوری ایران و آمریکا در دعوای *American Bell Int'l, Inc. v. Iran*^{۶۱} دیوان با این بیان که هیچ ابهامی در کلام رأی وجود ندارد، درخواست تفسیر را رد کرد.^{۶۲} قلمرو اختیار تفسیری در دو پرونده مهم بیان شده است:

U.K. - French Continental Shelf و *Chorzow Factory*. در قضیه اولی دیوان داوری نظر داد که تفسیر، یک مرحله کمکی است که امکان ندارد آنچه را که قبلاً دادگاه‌ها به صورت الزام‌آور حل و فصل کرده‌اند، تغییر دهد. در قضیه دوم، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی اظهار داشت که تفسیر صرفاً یک تعریف صریح از معنا و قلمرو تصمیم ارائه می‌دهد و هیچ چیزی بدان اضافه

57. Art. 35(b) of Arbitration Act 2005.

58. Rubino-Sammartano, *op. cit.*, p. 742.

59. Baptista, Luiz Olavo, "Correction and Clarification of Arbitral Awards", *ICCA Congress – Rio de Janeiro*, May 25, 2010, p. 12.

Available at: <http://www.international-arbitration-attorney.com/wp-content/uploads/arbitration>. Accessed on: 15/4/2016.

❖ ۶۰. امیر معزی، احمد؛ داوری بین‌المللی در دعوای بازرگانی، دادگستر، ص ۴۷۹.

61. *American Bell International v. Islamic Republic of Iran*. Des.No.DEC 58-48-3, (19 March 1987). Reprinted in 14 Iran-US CTR 173, 174 (1987-1).

62. Caron, David D. & Lucy F. Reed, "Post Award Proceedings under the UNCITRAL Arbitration Rules", *Arbitration International*, vol. 11, No. 4, 1995, p. 434.

نمی‌شود.^{۶۳} در واقع، تفسیر یک رأی، نص صریح آن را تغییر نمی‌دهد بلکه به توضیح آن می‌پردازد.^{۶۴} با توضیح رأی، مفاد حکم روشن و از آن رفع ابهام می‌شود و معنای حقیقی رأی دیوان داوری مشخص می‌شود بدون اینکه تغییری در ماهیت رأی داده شود.^{۶۵} لذا تفسیر رأی، زمانی موجه به نظر می‌رسد که رأی و نه بحث از واقعیت‌ها و استدلال‌ها، با عبارت‌هایی مبهم بیان شده باشد یا بخش مؤثری از رأی نامعلوم باشد یا اینکه رأی، تعهدات متناقضی را بر طرفین تحمیل کرده باشد.^{۶۶}

مسئله دشوار برای دیوان داوری این است که بتواند بین نیاز قانونی یکی از طرفین برای تفسیر رأی داوری و انگیزه شخصی وی جهت به تأخیر انداختن جریان داوری و بازبینی تصمیمی که منعقد شده است، تمایز قائل شود و درخواستی را که فراتر از تفسیر رأی می‌رود رد نماید چرا که مقصود از تجویز این اختیار برای داوران، فراهم کردن فرصتی جهت تغییر منطوق و ماهیت رأی نیست. بی‌میلی در مجاز دانستن این راهکار، یک سازکار دفاعی است تا طرفین نتوانند بعد از صدور رأی، پرونده را بازگشایی نمایند و دلایل و استدلال‌های جدیدی را در رابطه با موضوعاتی که واقعاً در رأی حل و فصل شده، ارائه کنند.^{۶۷} یا از دیگر سو، داورها فرصت را مغتنم شمرده و به گسترش و تکمیل دلایل توجیهی رأی مبادرت ورزند.^{۶۸} تفسیر، مدت زمان و گستره جغرافیایی حق امتیاز پرداخت شده، یا روشن ساختن اینکه چه دعاوی فیصله یافته و کدام دعاوی برای هیئت داوری در رسیدگی موازی باقی مانده است می‌تواند مصداقی از درخواست‌های قابل قبول برای تفسیر رأی به شمار آید.^{۶۹}

تفسیر باید به نکته یا بخش خاصی از رأی مربوط باشد و این همان عبارت نهفته در بند (ب) ماده ۳۳ قانون نمونه آنسیترال است. در نگاه اول شاید گفته شود که در عمل، امکان سوءاستفاده از این اختیار تفسیری وجود دارد، چه بسا ممکن است طرف قوی‌تر، طرف مقابل را وادار به چنین ارجاعی سازد که این خود تلاشی برای بازگشایی پرونده و عوض کردن رأی اصلی با رأیی مطلوب به نفع طرف قوی است و حتی در توجیه این نگاه اضافه شود که شاید به دلیل این تالی فاسد است که قانون نمونه، تفسیر رأی را صرفاً با توافق طرفین امکان‌پذیر دانسته است، حال آنکه قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، علاوه بر توافق طرفین به دیوان داوری اختیار داده

63. Van Den Berg, Albert Jan, *Arbitration Advocacy in Changing Times*, Kluwer Law International, 2011, p. 284.

64. Born, Gary, *International Arbitration: Law and Practice*, Kluwer Law International, 2012, p. 412.

۶۵. مافی، همایون؛ شرحی بر قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۵، ص ۳۹۶.

۶۶. لئو و دیگران؛ همان، ص ۶۶۰.

67. United Nation Conference on Trade and Development, *op. cit.*, p. 13.

۶۸. لئو و دیگران؛ همان، ص ۶۶۰.

69. Born, Gary, *op. cit.*, p. 413.

است که رأساً نیز بتواند در صدد رفع ابهام از رأی اقدام نماید و با این مقرر امکان پیدایش چنین تالی‌فاسدی را فراهم کرده است.^{۷۰} اما حقیقت این است که راه جلوگیری از این سوءاستفاده، خود داور است زیرا اوست که رأی اصلی را صادر کرده و در صیانت از رأی اصلی خود ذی‌نفع است. نباید فرض کرد همان شخصی که رأی اصلی را صادر کرده است در مرحله تفسیر رأی، نظرش عوض شده؛ در واقع چنین فرضی متعارض با جوهره داوری است.

معمولاً نظر تفسیری داورها به صورت رأی صادر می‌شود؛ لذا رأی مزبور باید مشابه رأی اصلی تنظیم و ابلاغ شود. به دیگر سخن، کلیه الزاماتی که در ماده ۳۰ قانون داوری تجاری مقرر شده باید در مورد این آرا نیز مراعات شود. در داوری‌های مبتنی بر قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی، آرای تفسیری قبل از ابلاغ به طرفین باید در شکل پیش‌نویسی، جهت بررسی به دبیرخانه دیوان ارسال شود.^{۷۱}

۲-۷. رأی تکمیلی

در هنگام انشای رأی ممکن است یک یا چند موضوع، سهواً از دید هیئت داوری پنهان بماند و دیوان، بی‌آنکه به همه موضوعاتی که باید تصمیم‌گیری شود، پرداخته باشد، تصمیمی را اتخاذ نماید.^{۷۲} در چنین وضعیتی، قواعد و قوانین داوری، امکان تحصیل آرای اضافی یا تکمیلی را مقرر می‌کنند. حتی در موارد سکوت قوانین، به نظر می‌رسد که داوران همواره بتوانند رأی اضافی صادر نمایند. هرچند که عده‌ای بر این باورند که در خصوص اختیار تکمیلی داوران یا باید قواعد داوری این ضابطه را تعیین کند یا اینکه طرفین از طریق توافق صریح، این اختیار را برای داوران به رسمیت بشناسند وگرنه بدون حمایت قوانین و قواعد داوری قابل اجرا یا توافق طرفین، داوران را نمی‌توان جهت صدور این نوع از آرا صاحب اختیار قلمداد کرد.^{۷۳} اقدام داوران به صدور این قسم از آرا منوط به تشخیص درخواست متقاضی است. چنانچه هیئت داوران بر اساس همان مستندات و لوایح قبلی، حقیقت امر را دریابند، به همان روشی که برای صدور آرا در ماده ۳۰ قانون مقرر شده است، در مهلت شصت روزه جهت تکمیل وظیفه خویش اقدام می‌کنند. علت صدور رأی تکمیلی به همان روشی که برای صدور رأی اصلی دنبال شده این است که: «موانع

۷۰. «دور» می‌تواند بنا به تقاضای هریک از طرفین یا رأساً هرگونه اشتباه در محاسبه، نگارش و یا اشتباهات مشابه در رأی را اصلاح و یا از آن رفع ابهام نماید.»

۷۱. See: International Chamber of Commerce Arbitration Rules, 2012, Art. 33.

۷۲. Rubino-Sammartano, *op. cit.*, p. 738.

۷۳. Sanders, Pieter, *Quo Vadis Arbitration? Sixty Years of Arbitration Practice: A Comparative Study*, Kluwer Law International, 1999.

شناسایی و زمینه بی‌اعتباری و بطلان رأی نزد محاکم صلاحیت‌دار را از بین ببرد».^{۷۴} بر اساس اکثر قوانین داوری، یک رأی اضافی مانند رأی تفسیری، صرفاً به محض درخواست یکی از طرفین و نه بنا بر صلاحدید داوران ارائه می‌شود.^{۷۵} مثال‌های زیادی از این نوع آرا در پرونده‌های حقوقی دیده نمی‌شود. تنها پرونده‌ای که اکثر نویسندگان درباره آن بحث کرده‌اند عبارت است از دعوای *Lochkeed Crop. v. Iran*^{۷۶} که طی آن، بعد از اینکه دیوان داوری رأی خود را صادر کرد، دولت ایران درخواستی به مرجع مزبور ارائه کرد بدون اینکه مشخص کند که خواسته او اصلاح یا تفسیر رأی داوری است. اما از آنجا که درخواست اصلاح خطاها و شفاف‌سازی به‌طور واضحی برای این پرونده قابل اجرا نبود، دیوان از صدور رأی اصلاحی و تفسیری امتناع کرد و نهایتاً یک رأی اضافی صادر کرد. به عقیده برخی نویسندگان، اقدام دیوان مناسب نبود زیرا هیچ ادعایی وجود نداشت که در رأی مسکوت مانده باشد.^{۷۷}

از تحلیل مختصر این پرونده، امکان تأیید این گفته وجود دارد که تقاضای صدور رأی تکمیلی، قلمرو محدودی دارد و تنها محدود به ادعای حذف‌شده در رأی صادره است و هر موضوعی که بعد از صدور رأی، توسط طرفین به دیوان ارائه شود می‌تواند ناشی از سوءنیت تلقی شود و دیوان آن را رد کند.

۲-۸. رأی مرضی‌الطرفین (سازشی)

در بسیاری از مواقع، طرفین پیش از صدور رأی داوری در مورد حل اختلافات فی‌مابین به توافق می‌رسند. اگر این چنین باشد، آن‌ها قرارداد سازشی منعقد می‌نمایند و صرفاً باید داوران را از این امر که از فرآیند داوری صرف‌نظر کرده‌اند، آگاه کنند. این راه‌حل غالب در نظام‌های حقوق نوشته است. در نظام کامن‌لا راهکار دیگری که غالباً وجود دارد بدین نحو است که داوران به محض درخواست طرفین، موافقت‌نامه سازش را به شکل رأی تنظیم می‌کنند که این امر می‌تواند حداقل از نظر اجرایی مزایای زیادی را برای سازش‌نامه به دنبال داشته باشد.^{۷۸}

ماده ۲۸ قانون تجاری بین‌المللی ایران مقرر می‌دارد: «چنانچه طرفین در جریان رسیدگی، اختلافات خود را از طریق سازش حل کنند، «داور» قرار سقوط دعوای داوری را صادر می‌کند و چنانچه یکی از طرفین تقاضا نماید و طرف مقابل اعتراض نکند، موافقت‌نامه سازش را

۷۴. امیرمعزی؛ همان، ص ۴۸۱.

75. AAA Rules Article 30(1), The 1996 Brazilian Arbitration Act Article 30, the 1997 German Arbitration Statute (Art. 1058 of the ZPO).

76. *Lockheed Corporation v. Islamic Republic of Iran*, Dec. No. DEC 84-829-2 19. September 1988 reprinted in 19 Iran-US, CTR 317, 318 (1988-11).

77. Caron, David D. & Lucy F. Reed, *op. cit.*, p. 443.

78. Rubino-Sammartano, *op. cit.*, p. 786.

به‌صورت رأی داوری بر اساس شرایط مرضی‌الطرفین با رعایت مفاد ماده ۳۰ صادر می‌کند». طبیعی است که طرفین در هر مرحله‌ای از رسیدگی بتوانند بدون منتفع‌شدن از تصمیم داوران، اختلافات‌شان را به تراضی فیصله دهند. این سازش‌نامه می‌تواند به‌صورت الحاقیه به قرارداد اصلی یا به‌صورت قرارداد جدیدی رسمیت پیدا کند. در این هنگام، اگر یکی از طرفین تعهدات ناشی از این توافق‌نامه را انجام نداد، طرف دیگر می‌تواند (به فرض وجود شرط داوری مناسب) داوری جدید یا دادرسی قضایی را آغاز کند.^{۷۹}

گزینه دیگری که در بسیاری از قوانین داوری دیده می‌شود، تنظیم موافقت‌نامه سازشی در قالب رأی است. این رأی با رأی نهایی از نظر موضوع و محتوا متفاوت اما از نظر آثار، یکسان است زیرا موضوع رأی نهایی، تصمیم داوران است که اختلاف را جزئاً یا کلاً فیصله می‌دهد، حال آنکه موضوع این رأی، رضایت طرفین است و نه تصمیم داوران.^{۸۰}

رأی مرضی‌الطرفین تابع همان الزامات شکلی آرای دیگر است، جز اینکه داوران وظیفه‌ای برای مدلل کردن این آرا بر عهده ندارند. دلیل بر این مدعا را می‌توان در بند ۲ ماده ۳۰ قانون داوری تجاری ایران و بند ۱ ماده ۳۶ قواعد آنسیترال ملاحظه کرد. البته بسیاری از دیگر مقررات داوری نیز گویای همین امر است.^{۸۱} به‌علاوه، رأی مزبور، اثر یکسان با هر رأی دیگر را در خصوص مسئله مطروحه دارد؛ بدین معنا که چنانچه طرفین به طریق سازش حل اختلاف کنند داور قرار سقوط دعوا را صادر و ختم رسیدگی را اعلام خواهد کرد و اصحاب با توافق خود، مبنی بر این رأی، تعهد می‌کنند که رأی صادره را بدون تأخیر اجرا کنند و این رأی از تاریخ صدور نهایی و برای طرفین لازم‌الاجراست. هرچند که در برخی از کشورها مانند ایتالیا تنظیم رأی سازشی، رویه‌ای ناشناخته است و تنها اقرار رسمی حل‌وفصل اختلاف است که به‌واسطه طرفین تحصیل می‌شود و از این‌رو قابلیت اجرایی ندارد.^{۸۲}

پرسش قابل طرح این است که آیا موافقت دیوان داوری باید همواره با صدور آرای سازشی لازم است یا اینکه دیوان به‌محض درخواست طرفین، متعهد به صدور این‌گونه آراست؟ می‌توان پاسخ این مسئله را در بیان صریح قواعد آنسیترال ملاحظه کرد، آنجا که مقرر می‌دارد: «مرجع داوری در صورت تقاضای هر دو طرف و تصویب دیوان، مصالحه را به‌صورت حکمی بر اساس توافق طرفین به ثبت خواهد رساند...». اما قانون نمونه آنسیترال و به تبع آن، قانون داوری

79. United Nation Conference on Trade and Development, *op. cit.*, p. 9.

80. Jean-François Poudret, Sébastien Besson, *Comparative Law of International Arbitration*, Stephen Berté, Annette Ponti, Sweet & Maxwell, 2007, p. 648.

81. UNCITRAL Model Law Art. 31 (2), The 1996 English Arbitration Act (Sec. 54), The 1997 German Arbitration Statute (Art. 1054 of the ZPO), AAA Rules Art 29(1), the 1986 Netherlands Arbitration Act (Art. 1069).

82. Weigand, Frank-Bernd, *Practitioner's Handbook on International Commercial Arbitration*, 2nd Ed., Oxford University Press, 2009, p. 591.

تجاری بین‌المللی ایران، صراحتاً به این امر نپرداخته‌اند. منتها قواعد آنسیترال روشن می‌کند که دیوان داوری ضرورتاً ملزم به ضبط سازش‌نامه در قالب رأی نیست، بلکه برای تصمیم‌گیری در خصوص موافقت یا عدم موافقت با درخواست صدور رأی سازشی صلاحیت دارد و می‌تواند آن را بازبینی کرده و از ضبط آن در شکل رأی امتناع ورزد.

در عمل، معمولاً دیوان با تقاضای طرفین موافقت کرده و قرارداد توافقی آن‌ها را در شکل رأی تنظیم می‌کند، مگر اینکه سازش‌نامه قابل اعتراض باشد و دیوان آن را برخلاف قواعد آمره یا به هر نحو دیگر، متقلبانه و غیرقانونی تشخیص دهد. مثلاً بر این مبنا که صدور رأی سازشی بر حقوق اشخاص ثالث اثر می‌گذارد یا برخلاف نظم عمومی است می‌تواند با درخواست طرفین مخالفت کند.^{۸۳}

۹-۲. رأی اعلامی

همانند دادرسی قضایی که احکام را از حیث اعلان حق سابق یا تأسیس وضعیت جدید به احکام اعلامی و تأسیسی تقسیم‌بندی می‌کنند، می‌توان در داوری هم چنین تقسیمی را ملاحظه کرد. مراد از حکم اعلامی یا کاشف حق، حکمی است که بیان‌گر حق یا وضعیتی است که از قبل موجود بود. گاهی طرفین از دیوان داوری درخواست می‌کنند رأی صادر کند که صرفاً بیان‌کننده حقوق طرفین و وضعیت حقوقی آن‌ها باشد. بیانیه‌ای را که دیوان در این هنگام در خصوص وجود یا عدم یک وضعیت و حق صادر می‌کند، رأی اعلامی می‌گویند. این نوع از آرا که فقط یک موقعیت حقوقی را اثبات می‌کند و کاری فراتر از این را انجام نمی‌دهد دارای اثر الزام‌آوری بین طرفین است.^{۸۴} باوجود اینکه بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی و همچنین قوانین داوری ملی ذم‌مورد شایستگی دیوان برای صدور این‌گونه از آرا سخن نگفته‌اند به نظر می‌رسد دیوان باید قادر باشد چنین رأی را صادر کند مگر اینکه توافق‌نامه داوری به صراحت چنین چیزی را منع کرده باشد.^{۸۵}

امکان صدور رأی اعلامی، در دعوای شرکت آرامکو علیه عربستان سعودی به وضوح روشن شد. در این دعوا شرکت آرامکو ادعا کرد که حق انحصاری او برای انتقال نفت از منطقه انحصاری‌اش در عربستان سعودی نقض شده است اما هیچ‌کدام از دو طرف تمایل نداشتند که رابطه تجاری‌شان را که مستمر و بلندمدت بود به خطر بیندازند. لذا تصمیم گرفته شد که اختلاف

83. Born, *Ibid.*, p. 354.

84. Stefan Leimgruber, "Declaratory Relief in International Commercial Arbitration" (2014) 32 *ASA Bulletin*, Issue 3, pp. 467-489.

85. Halket, Thomas D., *Arbitration of International Intellectual Property Disputes*, Juris Publishing Inc., 2012, p. 500.

آن‌ها به داوری فرستاده شود. آن‌ها توافق کردند که رأی صرفاً باید اثر اعلامی داشته باشد و هیچ‌یک از طرفین، مدعی جبران خسارت برای هر ادعای خسارتی نشود. دیوان اعلام کرد که هیچ ایرادی ندارد که طرفین، قلمرو توافق داوری را فقط به درخواست برای بیان این امر که واقعاً وضعیت قانونی آن‌ها چگونه است، محدود کنند. لذا زمانی که صلاحیت داوران، محدود به چنین بیانیه‌ای است و اجازه ندارند که اجرای تعهدی را بر هر یک از طرفین تحمیل کنند، صرفاً می‌توانند رأی اعلامی صادر کنند که این رأی، وضعیت قانونی قطعی را احراز می‌کند و در الزام‌آور بودن آن برای طرفین شکی نیست.^{۸۶} همان طور که از پرونده مذکور هم برمی‌آید، احکام اعلامی می‌تواند برای ادامه روابط تجاری بلندمدت و حل‌وفصل مؤثر وضعیت اختلافی مفید واقع شود.

وضعیت مشابه دیگر، اختلاف نسبت به این مسئله است که آیا یک طرف برای مطالبه پول از طرف دیگر مستحق است یا نه، درحالی که در خصوص میزان پولی که باید پرداخت شود، هیچ اختلافی وجود ندارد و طرفین معتقدند به سهولت می‌توانند بعد از احراز مسئولیت، میزان آن را معین کنند. در چنین مواردی مدعی می‌تواند منحصرأ در خصوص احراز مسئولیت، صدور رأی اعلامی را درخواست کند.^{۸۷} در این قسم از آرا که طرفین بیان یک وضعیت حقوقی را از دیوان خواستارند، آن را راهنمای حقوقی صرف نمی‌پندارند بلکه به‌طور ضمنی متعهد می‌شوند که به آثار و عواقب ناشی از آن احترام گذاشته و آن را به موقع اجرا درآورند. در خصوص اجرای این قسم از تصمیم داوران در دعوی *West Tanker inc. v. Allianz SpA*^{۸۸} دادگاه تجاری انگلیس تأکید کرد که رأی اعلامی بر اساس ماده ۶۶ قانون داوری این کشور قابل اجراست. در این قضیه، علی‌رغم اینکه خواننده استدلال کرد که رأی اعلامی صادره نمی‌تواند تحت شمول ماده ۶۶ قانون مذکور قرار بگیرد، دادگاه تجدیدنظر این کشور، استدلال را رد و اعلام کرد که همه آرای داوری از جمله آرای اعلامی، هم‌تراز مابقی تصمیمات دیوان است و به شیوه مشابه حکم یا دستور دادگاه با ارزش یکسان قابل اجراست.

همان طور که پیش از این گفته شد، در حقوق ایران، راجع به اختیار دیوان برای صدور انواع رأی، سخنی به میان نیامده است. منتها به نظر می‌رسد که عدم تصریح قانونگذار به این امر نمی‌تواند منکر صلاحیت دیوان برای صدور رأی اعلامی باشد. چه بسا اختلاف طرفین راجع به احراز وضعیتی باشد که از قبل موجود بوده و این امر نه تنها ممکن است در روند دادرسی قضایی

86. Alan Redfern, *op. cit.*, p. 361.

87. Turner, Ray, *Arbitration Awards: A Practical Approach*, John Wiley & Sons, 2008, p. 20.

88. *West Tankers Inc v. Allianz SpA* and another [2012] EWCA Civ 27. Available at: <http://www.lexology.com/library/detail.aspx?g=167f67fb-2218-4293-89c5-214189a8eda7>. Accessed on: 4/5/2016.

اتفاق افتد بلکه ممکن است در روند داوری هم رخ دهد. در دادگاه‌ها، رأی اعلامی و تأسیسی یا انشایی به نظام قضایی هر کشوری بستگی دارد. در داوری چنین محدودیتی وجود ندارد؛ بخصوص که در بیشتر موارد، آرای اعلامی نیاز به اجرا ندارد و اجرا به معنی واقعی کلمه در مورد این آرا مصداق ندارد. بنابراین، اگرچه قانون داوری صراحتاً مقررهای در خصوص اختیار دیوان برای صدور این‌گونه آرا ندارد، از سوی دیگر هیچ دلیلی وجود ندارد که دیوان را از دارابودن چنین صلاحیتی منع کند.

۲-۱۰. رأی تأسیسی

اصولاً این دسته از آرا در مقابل آرای اعلامی قرار می‌گیرد و برخلاف آرای اعلامی که صرفاً بیانگر وجود یا عدم وضعیتی است، با این نوع از آرا که به آن آرای موجد حق هم اطلاق می‌شود، موضوعی که قبل از رأی وجود نداشته ایجاد می‌شود؛ به این طریق که گاه رأیی که دیوان داوری صادر می‌کند، تعهد خاصی را بر عهده یکی از طرفین یا هر دوی آن‌ها می‌گذارد. در واقع، اصطلاح تأسیسی برای شرح احکام یا آرای که حق یا وضعیتی را ایجاد می‌کند یا تغییر می‌دهد، به کار می‌رود. بیشترین هدف این اقدامات، اجرای حق خواهان برای تأسیس، تغییر یا فسخ رابطه حقوقی است،^{۸۹} مثل اینکه حکم دیوان مبنی بر الزام یکی از طرفین به پرداخت مبلغی پول به عنوان خسارت به دیگری باشد یا اینکه خواهان دعوا از دیوان داوری تقاضای اجرای عین تعهد را نماید و دیوان نیز به نفع وی رأی صادر کند. این آرا اغلب بر حقوق اشخاص ثالث اثر می‌گذارد و طرفین، تنها کسانی نیستند که تحت تأثیر نتیجه این قسم از آرا قرار می‌گیرند. بنابراین، مقبولیت صدور این دسته از آرا در داوری با محدودیت مواجه است. با این حال، بسته به قانون حاکم، ممکن است دیوان برای صدور چنین رأیی دارای صلاحیت باشد.^{۹۰} چنین رأیی می‌تواند طوعاً توسط محکوم‌علیه اجرا شود. در غیر این صورت می‌توان با حمایت دادگاه‌ها از روند داوری، او را به اجرا وادار کرد. برای اجرای این‌گونه آرا باید اجرائیه صادر شود. در واقع، برخلاف آرای اعلامی، محتوای آرای تأسیسی به‌وضوح حکایت از اجرای رأی دارند و از جنبه اجرائی برخوردارند و صدور اجرائیه در مورد آن‌ها امکان‌پذیر است. منتها باید گفت در صورت تردید در اعلامی یا اجرائی بودن رأی دیوان داوری، اصل بر اعلامی بودن رأی داوری و عدم اقتضای صدور اجرائیه است.^{۹۱} اگر شناسایی و اجرای این‌گونه آرا از طریق کنوانسیون نیویورک تعقیب شد باید دقت

89. Dennis, Campbell, Christion T., Campbell, *International Liability of Corporate Director*, Juris Publishing, Inc., 2011, p. 45.

90. Ashford, Peter, *Handbook on International Commercial Arbitration*, Juris Publishing, Inc., 2014, pp. 370-371.

۹۱. مافی؛ همان، ص ۳۷۱.

شود که وفق قسمت (الف) بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک در صورتی که موضوع مورد اختلاف به موجب قانون کشوری که در آن شناسایی و اجرا به عمل می‌آید از موارد ارجاع به داوری نباشد می‌توان از شناسایی و اجرای آن احتراز کرد.

نتیجه

شناخت انواع رأی داوری، اهمیت نظری و عملی زیادی در داوری تجاری بین‌المللی دارد. معذک، با اینکه در برخی از قوانین داوری، انواع رأی مورد بحث واقع شده، در همین قسم از قوانین نیز تعریفی از انواع متعدد آرا دیده نمی‌شود، مانند قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران که صرفاً به بیان انواع محدودی از آرا آن هم به طور تلویحی پرداخته است، بدون اینکه تعریفی از هر یک از آرای مذکور ارائه دهد. در کنار این ایراد که در تمامی قوانین داوری، از جمله قانون ایران ملاحظه می‌شود، از قسم دیگری از آرای داوری حتی به طور تلویحی سخنی به میان نیامده است و این عدم اشاره خود می‌تواند زمینه‌ساز بروز تردیدهایی اساسی در صلاحیت دیوان داوری برای صدورشان شود. آن دسته از آرای که در قوانین به آن اشاره شده عبارت‌اند از: آرای تصحیحی، تفسیری و تکمیلی. این آرا که اقدامات پس از صدور رأی هم نامیده می‌شود طی بازه زمانی خاصی که قانونگذار پیش‌بینی کرده باید صادر شود. این بازه زمانی در قوانین داوری کشورهای مختلف متفاوت است، اما در قانون داوری بین‌المللی ایران، مهلت سی‌روزه جهت اصلاح و تفسیر، و مهلت شصت‌روزه جهت تکمیل در نظر گرفته شده است. منتها قاعده مشترک بین تمام قوانین این است که درخواست تفسیر رأی یا تکمیل، به هیچ‌وجه نباید موجب تغییر منطوق و ماهیت رأی داوری شود. دسته دیگر آرای داوری مانند غیابی، اعلامی و تأسیسی که به تحقیق می‌توان اذعان کرد در هیچ قانون یا قواعد داوری، نصی به خود اختصاص نداده‌اند نیز می‌تواند در داوری مصداق یابد، چرا که برای مثال، عدم حضور خواننده در فرآیند داوری نیز گاهی واقعیت غیرقابل‌انکار است. لذا زمانی که یکی از طرفین برای حضور در دعوا یا ارائه دفاعیاتش در هر مرحله امتناع کند دیوان می‌تواند به درخواست طرف دیگر، رأیی در خصوص موضوعات مطرح صادر کند. در خصوص آرای اعلامی و تأسیسی نیز باید قائل به این امر بود که گرچه قوانین داوری تصریح به اختیار دیوان برای صدور چنین آرای نکرده‌اند، هیچ دلیلی بر سلب چنین اختیاری از دیوان وجود ندارد و دیوان داوری در هر حال می‌تواند چنین آرای صادر کند، مگر در صورتی که توافقنامه داوری صراحتاً چنین منعی را مقرر کرده باشد.

با عنایت به آنچه گفته شد، پیشنهاد می‌شود در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، ماده‌ای به ارایه تعریفی دقیق و جامع از رأی و انواع متعدد آن اختصاص یابد. به اختیار دیوان در صدور

آرای مختلف داوری تصریح شود تا بدین ترتیب، زمینه اختلافات نسبت به صلاحیت دیوان داوری از بین برود و هدف از رجوع به داوری که تسریع در رسیدگی است به‌خوبی محقق و از قلمرو مداخله دادگاه‌ها در روند داوری کاسته شود.

منابع:

الف. فارسی

– کتاب

- امیرمعزی، احمد؛ *داوری بازرگانی بین‌المللی*، دادگستر، ۱۳۹۲.
- _____؛ *داوری بین‌المللی در دعاوی بازرگانی*، چاپ سوم، دادگستر، ۱۳۸۷.
- جنیدی، لعیا؛ *اجرای آرای داوری بین‌المللی خارجی*، چاپ دوم، شهر دانش، ۱۳۸۱.
- دی ام لئو، جولیان، لوکاس میستلیس و استفان کرول؛ *داوری تجاری بین‌المللی*، ترجمه: محمد حبیبی مجنده، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۱.
- شمس، عبدالله؛ *آیین دادرسی مدنی (دوره بنیادین)*، جلد دوم، چاپ شانزدهم، دراک، ۱۳۹۱.
- شیروی، عبدالحسین؛ *داوری تجاری بین‌المللی*، چاپ دوم، سمت، ۱۳۹۲.
- مافی، همایون؛ *شرحی بر قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران*، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۵.

– مقاله

- رایده، آلان اس؛ «هماهنگی یا عدم هماهنگی قانون نمونه آنسیترال با قانون داوری انگلیس در زمینه داوری تجاری بین‌المللی»، ترجمه: فرهاد خمایی‌زاده، *الهیات و حقوق*، ۱۹، ۱۳۸۵، ۲۱۴-۱۹۷.

– قانون

- قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، ۱۳۷۶.
- قانون آیین دادرسی مدنی، ۱۳۷۹.

– تارنما

- شیروی، عبدالحسین؛ *پرسش‌های حقوقی و قضایی، قابل دسترسی در:*
<https://dr.shiravi.com/mtest/1-2/comment-page-93#comments.۱۳۹۵/۸/۲۰> تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۸/۲۰

ب. انگلیسی

- Books

- Ashford, Peter, *Handbook on International Commercial Arbitration*, Juris

-
- Publishing Inc., 2nd Ed., 2014.
- Association for International Arbitration, *Interim Measure in International Commercial Arbitration*, Maklu, 2007.
 - Binder, Peter, *International Commercial Arbitration in Uncitral Model Law Jurisdictions*, Swett & Maxweil, 2000.
 - Bennett, Steven C., *Arbitration: Essential Concepts*, ALM Publishing, 2000.
 - Born, Cary, *International Civil Litigation in United States: Commentary & Materials*, Kluwer Law International, Revised, 1996.
 - Caron, David D.; Lee M. Caplan, *The UNCITRAL Arbitration Rules: A Commentary*, New York: Oxford University Press, 2010.
 - Cook, Trevor M., Alejandro L. Garcia, *International Intellectual Property Arbitration*, vol. 2, Kluwer Law International, 2010.
 - Campbell, Dennis; Christion T. Campbell, *International Liability of Corporate Director*, Juris Publishing Inc., 2nd Ed., 2011.
 - Frey, Martin, *Alternative Methods of Dispute Resolution*, Cengage Learning: Illustrated, 2000.
 - Born, Gary B., *International Arbitration: Law and Practice*, Kluwer Law International, 2012.
 - Halket, Thomas D., *Arbitration of International Intellectual Property Disputes*, Juris Publishing. Inc., 2012.
 - Lee, Karen, *Iran–United States Claims Tribunal Reports*, vol. 38, Cambridge: Cambridge University Press, 2010.
 - Moses, Margaret L., *The Principles and Practice of International Commercial Arbitration*, United States of America: Cambridge University, 2008.
 - Poudret, Jean Francois; Sebastien Besson, *Comparative Law of International Arbitration*, Sweet & Maxwell, Revised, 2007.
 - Turner, Ray, *Arbitration Awards: A Practical Approach*, John Wiley & Sons, 2008.
 - Rubino-Sammartano, Mauro, *International Arbitration Law and Practice*, Netherlands: Kluwer Law International, 2nd Ed., 2001.
 - Redfern, Alan, *Law and Practice of International Commercial Arbitration*, Sweet & Maxwell, 2004.
 - Reed, Lucy; Jan Paulsson & Nigel Blackaby, *Guide to ICSID Arbitration*, Kluwer Law International, 2004).
 - Schafer, Erik; Herman Verbist & Christophe Imhoos, *ICC Arbitration in Practice*, Kluwer Law International, 2005.
 - Sanders, Pieter, *Quo Vadis Arbitration? Sixty Years of Arbitration Practice: A Comparative Study*, Kluwer Law International, 1999.
 - Van Den Berg, Albert Jan, *New Horizons in International Commercial*

Arbitration, Kluwer Law International, 2005.

- Van Den Berg, Albert Jan, *Arbitration Advocacy in Changing Times*, Kluwer Law International, Edition: Illustrated, 2011.
- Weigand, Frank- Bernd, *Practitioner's Handbook on International Commercial Arbitration*, New York: Oxford University Press, Second Edition, 2009.

- Articles

- Caron, David D., Lucy F. Reed, "Post Award Proceedings under the UNCITRAL Arbitration Rules", *Arbitration International*, vol. 11, No. 4, 1995.
- Stefan Leimgruber, "Declaratory Relief in International Commercial Arbitration" (2014) 32 *ASA Bulletin*, Issue 3.

- Conferences

- Baptista, Luiz Olavo "Correction and Clarification of Arbitral Awards", ICCA Congress-Rio De Janeiro, (May 25, 2010). Available at:
- <http://www.international-arbitration-attorney.com/wp-content/uploads/arbitration>. accessed on: 15/4/2016.
- United Nation Conference on Trade and Development, "Making Award and Termination of Proceedings", United Nations, New York & Geneva, (2005). Available at: <http://unctad.org/en/docs/edmmisc232add41-en.pdf>. accessed on: 30/4/2016.

- Report

- Report of the Working Group on International Contract Practices on the Work of its Seventh Session, A/CN.9/246. Available at: http://www.uncitral.org/uncitral/en/commission/working_groups/2Contract_Practices.html. accessed on: 29/4/2016.

- Award

- *West Tankers Inc v. Allianz SpA* and another [2012] EWCA Civ 27. Available at: <http://www.lexology.com/library/detail.aspx?g=167f67fb-2218-4293-89c5-214189a8eda7>. accessed on:4/5/2016.

- Rules

- Arbitration Rule of the European Court of Arbitration, (2011), Available at <http://cour-Europe-arbitrage.org/archivos/descargas/70.pdf>. accessed on 12/3/2016.
- American Arbitration Association, Available at: <http://www.limaarbitration.net/pdf/arbitraje-comercial/Reglamento-Arbitraje/aaa-ingles.pdf>. accessed on. 13/3/2016.

- Brazilian Arbitration Act, (1996), Available at: <http://www.jus.uio.no/lm/brazil.arbitration.law.no.9.307.1996/doc.html>. accessed on. 12/3/2016.
- Canada Commercial Arbitration Code, Available at: <http://laws-lois.justice.gc.ca/eng/acts/c-34.6/>. accessed on. 14/3/2016.
- English Arbitration Act, (1996), Available at: <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1996/23/contents>. accessed on. 14/3/2016
- German Arbitration Statute, (1998), Available at: <http://www.arbitrations.ru/userfiles/file/Law/Arbitration%20acts/German>. accessed on: 14/3/2016.
- International Chamber of Commerce Arbitration Rules, (2012), Available at: <https://www.icc-austria.org/fxdata/iccws/download/seminar/The-New-ICC-Arbitrations-Rules-2012-Changes-and-First-Experiences.pdf>. accessed on: 2/5/2016.
- Mexico Arbitration Act, Available at: <http://mexicolaw.com/LawInfo01.htm>. accessed on: 14/3/2016.
- Malaysia Arbitration Statute, (2005), Available at: <http://www.agc.gov.my/Akta/Vol.%2013/Act%20646.pdf>. accessed on: 14/3/2016/.
- Netherlands - Arbitration Act 1 December 1986 Code of Civil Procedure - Book Four: Arbitration Netherlands, Available at <http://www.jus.uio.no/lm/Netherlands.arbitration.act.1986/>. accessed on: 14/3/2016/
- Swedish Arbitration Act, (1999), Available at <http://swedisharbitration.se/wp-content/uploads/2011/09/The-Swedish-Arbitration-Act.pdf>. accessed on: 14/3/2016.
- UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration, (1985), (as amended in 2006), Available at: http://www.uncitral.org/uncitral/en/uncitral_texts/arbitration/1985Model_arbitration.html. accessed on: 12/3/2016.

- Conventions

- International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID) Convention, Available at: https://icsid.worldbank.org/ICSID/StaticFiles/basicdoc/CRR_English-final.pdf. accessed on: 12/3/2016.
- Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards, (1958), Available at http://www.uncitral.org/pdf/english/texts/arbitration/NY-conv/XXII_1_e.pdf., (2015). accessed on: 14/3/2016.
- Geneva Convention, (1927), Available at: http://interarb.com/vl/g_co1927. accessed on: 13/3/2016.
- Geneva Protocol, (1923), Available at accessed on 13/3/2016. http://interarb.com/vl/g_pr1923.